

انتقادهای روشنگرانه یا انتقام های آشوبگرانه ؟



بخش اول

آورده اند مردی که در یک سماوار نزد رفقاییش لاف میزد و می گفت؛ در همه دعاها، من حرف آخر را زده ام! یکی از دوستانش که از وی شناخت داشت پرسید؛ حرف آخری که می زنی چیست؟ و آن مرد در حالیکه بر بروتهایش دست میزد جواب داد؛ می گویم غلط کردم، من اشتباه کردم معذرت میخوام !! هنگامیکه افغانستان از سویی به عنوان بزرگترین پایگاه خون و جنایت فکری جامعه ما شناخته میشود و همه جناح های اعتقادی و سیاسی ، موافق یا مخالف در این اصل متفق اند که استبداد و استعمار خارجی قوی ترین مانع تحول فکری در میان مردم و حتی نسلی از روشنفکران ما به شمار می آیند و در چند سال اخیر با سرعتی خارق العاده ، موج گسترده ای از مردم و برخی آگاهان حوزه الهیات و معارف اسلامی را که برانگیخته همانا مقابله فکری با عده ای از معاندان تاریخی و سم پاشی های زهرآلود آنها با نهضت مترقی اسلام است که با عرضه راه حل های علمی برای نیازهای بشر امروزی مورد استقبال نسل تحصیلکرده و اکثریتی از ترقی خواهان واقع شده است .



این توطئه ها و تهمت ها زاده عوامل پیدا و پنهانی است که ذهن مردم نسبت به آن کم و بیش روشن بوده و مردم عامی ما هم اگر از تحلیل اجتماعی دقیق مسائل عاجز باشند و ریشه اصلی این داد و قال ها را نتوانند یکا یک نشان دهند لاقلاً این را یقین دارند که این گونه هیاهو و چنین آشوبهای ناگهانی همدست و همه یکدست از سر ایمان و اخلاص و از درد دین و منطق و علم نیست . زیرا اولاً منطق علم و دین این نیست و ثانیاً کسانی که در تمام عمرشان نشان داده اند که در لاک حقیرمنافع خویش می پیچند و برای رسیدن به آن وارد بازار مکاره ای از معامله میشوند و در کوچه های رنگین آن ارزشهای تمدنی و فرهنگی مردم افغانستان را در بدل چند قران ناچیز به فروش میرسانند .

<https://www.youtube.com/watch?v=yY6WAsc4bWE&list=PLRe4c8095ot9n9v-QuSUjWB57j40nUpwg&index=601&t=11s>

بدون شک که اینگونه پرسش ها در ذهن عامی ترین افراد این جامعه مطرح شده است و اگر همه نتوانند آواز ها و چهره ها را با سوابق شان تشخیص بدهند حلقوم ها و شکم ها را که میشناسند و می بینند که هرچه هست طبیعی نیست و مسخ و تحریف ارزشهای فرهنگی و تمدنی را در جغرافیای بنام افغانستان تمرین می کنند !! . با درد و دریغ که در این پروژه پلید استعمار نو نیز شوالیه ها و

کار دینال های مذهبی که جامه جهاد و مقاومت را بر تن کرده اند پیشتر معرکه شده اند و به عنوان گردان های جاده صاف کن در راستای خلق انگیزه برای تحریف ارزشهای دینی و فرهنگی از بکارگیری هیچ ترفند سیاسی در حوزه قدرت دریغ نه می ورزند نباید تعجب کرد که چرا و چگونه این همه نحله ها و طائفه های به ظاهر با هم دشمن اعم از شیعه و یاهم **اهل سنت و الجماعت** از یک گفتمان خون آلود اقتدار گرا پیروی میکنند ، البته باید گفت که میزان خشونت و رویکرد های تندروانه و بنیاد گرایانه این گفتمان در جوامع مختلف بشری به تناسب شرائط اقلیمی و نوع مناسبات فرهنگی در جوامع متذکره محسوس بوده اند و بسیاری از دسته های باورمند بر این گفتمان و تعبیر و تفسیر از دین بامختصری کاری و دروغ خود را به غلط پرچمداران دموکراسی و حقوق بشر می نامند . روشن است که هیچگونه زمینه های بذر جمهوریت و مردم سالاری در زمین شحم کرده خشونت و گفتمان تندروانه وجود ندارد تجربه تاریخی نیز نشان داده است که مردم داری بدون اعتقاد عمیق بر مردم سالاری قابل بقا و دوام نبوده و نخواهد بود و هرگونه تعریفی از دموکراسی و مردم سالاری حتی مردم سالاری دینی که حد اقل در ورودی و خروجی قدرت ، یا اقتدار دموکراتیک را نه پذیرد و به دوپرسش اساسی که قدرت از آن کیست و مؤلفه قدرت برای کیست ؟ با منطق و علم مردم سالار پاسخ نگوید از مردم سالاری و جمهوریت جز نامی هیچگونه بهره ای نخواهند برد.



در چنین شرائطی است که اینگونه حاکمیت را نخبه سالاری شرمگین باید نامید . چنانچه قبلاً متذکر گردیدیم عصای دست این گفتمان شرک آلود با دستان برخی از نامور ترین چهره های تاریخ اسلام گذشته شده که با تأسف و دریغ برخی از نیمچه آخذ های کم سواد در میان جوامع اسلامی بر آن استناد میکنند و مخالفان خویش را در گام اول دشمنان خدا معرفی مینمایند و سپس آنها را مستحق بدترین شکنجه ها میدانند هر چند این قرئت سنگواره ای و شریعت گرا بر قلمرو تاریخ اکثریت جوامع اسلامی سایه افکنده است اما در جامعه افغانستان سخنان یکتن از حواریون مذهبی وقتی از چگونگی زندگی مسلمانان با دیگران و به قول همین آخذ جاهل با کفار را سخن می گویند بدون آنکه مفهوم اصلی قرآن پاک و زندگی حضرت رسول الله پیامبر گرامی اسلام را بیان کند بصورت مسخره آمیز فتوای قتل و غارت آنها را صادر میکند و می گوید "

<https://www.youtube.com/watch?v=w9stWW1PXmU>

وقتی که با کافر ملاقات حاصل شد ، .. بزنی در گردن گردن شان و سپس بر بخش دیگری از آیه قرآن پاک استناد میکند و میگوید که بزنی بر گردن ، گردن شان تا که بکشید ، کثرت خونریزی بکنید و محکم کنید قید و ولچک و زولانه را که نگریند ... این آخذ جاهل تنها بر کشتار کفار بسنده نه میکند بلکه با تحریف سخنان و ایده های برخی از دیگر اندیشان می تازد و از قول آنها می گوید که « اسلام برخی از نواقص خود را دارد

<https://www.youtube.com/watch?v=wEff-blqNYQ&list=PLRe4c8095ot9n9v-QuSUjWB57j40nUpwg&index=479&t=0s>

واقیعت این است که همین اظهارات گمراه کننده ملاحی اجیر شده و متحجر سبب شده تا تبر دشمنان تابلودار و دوستان نافهم وی تابلو دسته یابند و درباره بسیاری از مسائل اساسی و بنیادی اسلام منجمله مسأله اصل خانواده و نگاهی به جایگاه فلسفی انسان به عنوان پایه های مستحکم اسلام به عنوان یک ایدئولوژی و پیام وحیانی و آزادی بخش الهی در زمین بصورت معیوب تفسیر و تعبیر نمایند .



اصل خانواده در اسلام و نگاهی به مسأله تعدد زوجات حضرت محمد (ص)

هر چند نه میخواستیم به مسأله خانواده در اسلام، جایگاه زن و تعدد زوجات حضرت محمد پیامبرگرامی اسلام به عنوان پیام رسان وحی الهی و نسخه کامل تمامی ادیان الهی بپردازیم زیرا این گونه مسائل از سوی دشمنان پیدا و پنهانی از انسان و خدا بصورت دگم و دُم بریده مطرح میگردند و قضاوت های امروزی را که حاصل تکامل عمومی هستی، انسان و کائنات در حال حاضر میباشد بر چگونگی حیات تاریخی زندگی آن زمان انسان که در شرائط خاص تاریخی به سر میبرد قیاس مینمایند. که بدون تردید این فرضیه و سائرمسائل مربوط به اسلام و مسلمانان از سوی بسیاری دانشمندان مسلمان جهان به نحو خوبی بیان گردیده اند اما وقتی می بینیم که در افغانستان کنونی بویژه طی سالهای اخیر مسأله اصل خانواده در اسلام، کثرت زوجات حضرت محمد (ص) و مسائل مربوط به نظام سیاسی و اقتصادی به موضوعات مناقشه آمیز و مجادله ای (Polemic) تبدیل شده است به گونه ای که با توجه به اصل حاکمیت در دو قرن اتوکراتیک (یک سالارانه و کلریکال) - اریستوکراتیک (روحانی و اشراف سالارانه) در برابر گفتمان دموکراتیک مردم سالارانه قرار گرفته است خواستیم به عنوان یک شاگرد کوچک این حوزه وارد بحث شوم اما بحث ام را بصورت دلسوزانه با استناد بر اظهارات متفکران و فعالان گفتمان سنگواره ای اسلام تاریخی در جامعه ما بیان کنم.

<https://www.youtube.com/watch?v=zaXom1S-H3k>

دکتر عبدالستار سیرت یکی از نامورترین مراجع مذهبی است که از دانشگاه الازهر مصر مدرک فوق لیسانس رادر علم فقه و قانون بدست آورده و سپس در دوران محمد ظاهر پادشاه سابق وزیر عدلیه و در عین حال عضویت رابطه عالم اسلامی را داشته است که چندین سال در پوهنتون ام القرای عربستان بحیث استاد معارف اسلامی سپری نموده و با مهاجرت به ایالات متحده امریکا از پوهنتون Pacific Western University California به قول خودش در علوم اسلامی مدرک دکتورا را بدست آورده اند با نگاه غلط به مسأله جایگاه و مقام انسان بویژه زن در اسلام به موضوع ازدواج کودکان که کاملاً به عنوان یک مطلب عقلانی در تفکر دینی مطرح است نگریسته اند

